

سیاستگذاری فرهنگ حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران

وحید آرای، علی باصری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

چکیده:

هر جامعه‌ای با شناسایی نیازها و تدوین برنامه‌های اجرایی مناسب و درست در سطح کلان می‌تواند به جوامع باثبات، پایدار و مترقی در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبدیل شود. ارتقای فرهنگ حقوق شهروندی و افزایش دانش و مهارت‌های شهروندی با تأکید بر انضباط و اخلاق اجتماعی و بسترسازی جهت تقویت هویت دینی، ملی و انقلابی شهروندان و نیز بهبود سلامت فردی و اجتماعی شهروندان با تأکید بر برابری، مشارکت اجتماعی، توسعه فرهنگ شهروندی به منظور ارائه الگوی سالم و افزایش نشاط در شهروندان از جمله ضروریات جامعه سالم است. در ایران اسلامی شناسایی و تصریح حقوق شهروندان در متن قانون اساسی و سایر قوانین را باید گامی اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی ارزیابی کرد که در این مقاله سعی می‌شود با روش توصیفی-تحلیلی، موضوع سیاستگذاری فرهنگ حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران بررسی شود.

واژگان اصلی: فرهنگ، حقوق شهروندی، قوانین، سیاستگذاری.

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از مهمترین مقوله‌های زندگی بشر، فرهنگ است. مفهوم فرهنگ، یک برساخته تحلیلی است که به ما کمک می‌کند بخش‌ها و اجزایی از واقعیت زندگی را در قالب این مفهوم برجسته کنیم به آن بیندیشیم و برای آنها برنامه ریزی کنیم. اصل مورد توافق تمام پژوهشگران حوزه فرهنگ این است که فرهنگ بر شخصیت افراد و جامعه مسلط است و اثری انگیزاننده و هنجاری دارد این سطره و اثرگذاری اصلی‌ترین کارکرد فرهنگ در تداوم و همبستگی میان افراد یک جامعه در قالب باورهای مشترک، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، معیارها و الگوهای رفتاری است (پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۳). این اصل به اندازه‌ای اهمیت دارد که کروبر و وایت فرهنگ را پدیده‌ای مستقل از افراد و اشخاص در نظر گرفته و این گونه بر عاملیت آن تأکید کرده‌اند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۴۲). این سخن به این معنا است که چون فرهنگ به عنوان پدیده‌ای نامحسوس، سمت و سوی افکار و کردار افراد و جامعه را مشخص می‌کند، هرگونه تصمیمی برای تغییر اندیشه و رفتار افراد و جامعه نیازمند تغییر در بنیان‌های فرهنگ حاکم است (ماحوزی، ۱۳۹۲). از طرفی امروزه مفهوم حقوق شهروندی به عنوان منزلتی اجتماعی تلقی می‌شود و شهروند به عنوان عضو یک جامعه سیاسی فردی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت می‌باشد. توجه به حقوق شهروندی در هر جامعه‌ای باعث قوام مشروعیت و استمرار نظام سیاسی حاکم را فراهم خواهند آورد. این حقوق دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و قضایی می‌باشد و چگونگی کمیت و کیفیت بهره‌مندی از آن در هر جامعه از شاخصه‌های توسعه و از مؤلفه‌های حکمرانی خوب می‌باشد. در ایران اسلامی شناسایی حقوق شهروندان در متن قانون اساسی و سایر قوانین را باید گامی اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی ارزیابی کرد. در مجموع قوانین و مصوبات موجود در زمینه حقوق شهروندی ایران حاوی نکات مثبت زیادی است و می‌توانیم آنها را گامی در جهت تثبیت ایده شهروندی در دوران معاصر به حساب آوریم (طاهری، ۱۳۹۵). هدف از این مقاله، بررسی سیاستگذاری فرهنگ حقوق شهروندی در قوانین کشور می‌باشد.

۱. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

۱.۱. پیشینه تحقیق

جوکار (۱۴۰۱) با نگاه به «برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه با محوریت مسائل اجتماعی و اقدامات و عملکردها»، عنوان می‌کند: هدف نهایی توسعه، بهبود وضعیت مردم از بعد مادی و

معنوی است و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های اجتماعی باید به این مهم توجه داشته باشند.

دشتی و شاه حیدر (۱۴۰۱) با «تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی»، اظهار داشتند: شهروندی و حقوق شهروندی از جمله مفاهیم نوظهوری است که توجه ویژه‌ای به برابری و عدالت دارند و در نظریات مختلف سیاسی، اجتماعی و حقوقی از جایگاه خاصی برخوردارند. حقوق شهروندی بر سه اصل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی بنیان نهاده شده و از ارکان اصلی حقوق بشر به شمار می‌آید.

جاوید (۱۴۰۰) در مقاله «از تنوع فرهنگی تا مهندسی فرهنگی؛ چالشی بین حقوق بشر و حقوق شهروندی»، معتقدند: مهندسی فرهنگی و تنوع فرهنگی در حقوق داخلی تنها ضمن و ذیل حقوق شهروندی معنا دارد و این دو در حقوق بین‌الملل به شکل وضعی در قالب گفت و گوی بین فرهنگی می‌توانند مقبول ملل باشند. با این حال آثار حقوقی تنوع فرهنگی بسته به مخاطب آن متفاوت است. خودی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در برنامه‌های اول تا ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، بیان می‌کنند: پراکندگی سیاست‌ها و اهداف برنامه‌ها نسبت به مقوله شهروندی چنان گسترده است که نمی‌توان مدعا نمود که در این برنامه‌ها یعنی از برنامه اول تا ششم توسعه، روندی تکاملی و مشخصی از توجه و برنامه‌ریزی در خصوص همه مؤلفه‌ها و شاخص‌های حقوق و مسئولیت‌های شهروندی وجود دارد.

خان‌محمدی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «طراحی الگوی فرهنگ شهروندی اسلامی - ایرانی مبتنی بر روش فراترکیب و راهکارهایی برای توسعه آن» بیان داشتند: الگوی فرهنگ شهروندی بر اساس مبانی اسلامی ایرانی که شامل سه بعد حقوقی و وظیفه‌ای و ارزشی شهروندی می‌باشد. جهانگیر و پیشقدم (۱۳۹۸) با «بررسی تطبیقی جایگاه حقوق شهروندی زنان در قانون اساسی و منشور حقوق حقوق شهروندی» اظهار داشتند: مفهوم حقوق شهروندی زنان دارای جایگاه برتر در قانون اساسی نسبت به سند منشور حقوق شهروندی است.

۱.۲. مبانی نظری

۱.۲.۱. حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از مباحث بسیار مهم و نوظهور معاصر است که به طور ویژه به برتری و عدالت توجه دارد و امروزه در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه خاصی پیدا کرده است. شهروندی منزلتی برای یک فرد در ارتباط با یک دولت است که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود.

شهروند عضو یک جامعه سیاسی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است (کیدنز، ۱۳۵۴: ۷۹۵). حقوق شهروندی دارای ابعاد سیاسی اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و قضایی می-باشد. چگونگی کمیت و کیفیت حقوق شهروندی در هر جامعه از شاخص‌های توسعه و از مؤلفه‌های حکمرانی خوب رعایت و تضمین اجرای آن برای آحاد جامعه است (پروین، ۱۳۹۱: ۴۸).

(کندی، ۲۰۰۲) شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند داده می‌شود و این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق و وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند (فریدمن، ۲۰۰۲: ۱۶۸) در واقع شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد (کیت، ۱۳۸۰: ۲۴) امروزه شهروندی به شدت از نحوه نگاه معطوف به انسان بلوغ یافته توانایی‌های وی و چگونگی شرکت دادن و سهم کردن او در وضعیت و سرنوشت حیات فردی اجتماعی متأثر است (قادری، ۱۳۸۹: ۴۶). بنابراین حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق با هر درجه از اهمیت است که در قلمرو حکومتی برای اتباع آن قلمرو شناخته شده است (صادق منش، ۱۳۸۷: ۲۱۸).

۱،۲،۲. فرهنگ حقوق شهروندی

یکی از این تقسیمات فرهنگ، فرهنگ شهروندی است که مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که در بردارنده احساس تعلق تعهد و احترام به میراث مشترک و همچنین تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی می‌باشد. فرهنگ شهروندی که بهتر است به آن فعالیت و تعهد شهروندی گفته شود یک مفهوم وسیع است که با روح جمعی قرابت دارد. این مفهوم نه تنها اشاره به یادگیری زندگی جمعی دارد بلکه شامل کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و وفاداری به تعهدات شهروندی است. موضوع کلیدی در فرهنگ شهروندی، کسب سرمایه اجتماعی است که ظرفیت و استعداد تعامل و همکاری بین مردم و نهادها برای رسیدن به خیر جمعی است. از تعاریف و مباحث مطرح شده چند عنصر اساسی فرهنگ را می‌توان استخراج کرد که عبارت اند از: (الف) فرهنگ شهروندی یک کلیت است؛ فرهنگ از عناصر مختلف و متعدد تشکیل یافته است، ساخته می‌شود. (ب) فرهنگ شهروندی یک محصول جمعی است؛ فرهنگ توسط جامعه ساخته می‌شود. آموزش فرهنگ شهروندی و نحوه ایجاد انگیزش در میان افراد برای پذیرش نقش شهروند و

^۱ Kenedy

^۲ fridman

توجه به منافع جمعی، وظیفه‌ای حساس و دشوار برای رهبران و مدیران جامعه است (سعید ذکاتی، ۱۳۹۱: ۲۴). اگرچه شهروندی تنها شامل حقوق نیست و با مجموعه‌ای از تعهدات در قبال آن متوازن می‌شود اما این آگاهی از حقوق شهروندی است که شهروندان را نسبت به وظایف خودآگاه و متعهد می‌کند. بنابراین باید به آگاهی همه مردم به ویژه نوجوانان و دانش‌آموزان به عنوان قشر وسیعی از جمعیت از حقوق شهروندی‌شان توجه ویژه‌ای مبذول داشت. دانش‌آموزان و نوجوانان به عنوان قشر تحصیل کرده جامعه در ارتباط زیاد با شعور جمعی و آگاهی عمومی قرار دارند. پس آگاهی آنان از حقوق شان در درجه اول راهی برای عمل به وظایف و تعهدشان است (شیانی، ۱۳۸۸: ۴). اگر بخواهیم ابعاد شهروندی را به صورت مدلی ترسیم کنیم، می‌توانیم دو جنبه (بعد) کلی را برای آن برشماریم: شهروندی، از یک سو واجد ابعاد سیاسی و ساختاری است و از سوی دیگر ابعادی عاطفی را در بر می‌گیرد که با فرهنگ و هویت‌های فردی ارتباط دارند در کمترین سطح آن شهروندان باید نسبت به مسئولیت‌ها حقوق و هویت‌های چندگانه متفاوت، خودآگاهی و شناخت داشته باشند. کسب این شناخت آشکارا مستلزم آموزش حقوق انسانی و فراهم شدن محیطی برای یادگیری است که در آن مجال جستجو و تقویت احساسات و انتخاب‌های افراد فراهم باشد. یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌انجامد. در واقع نقش چنین آموزه‌هایی رابطه تنگاتنگی با رفتارهای اخلاقی دارد در واقع زمینه‌های اصلی و شکل دهنده تربیت یا آموزش شهروندی است که با ارتقای فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد و این مؤلفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه فرهنگی نقش مؤثری دارد. مؤلفه آموزشی با مشوق‌هایی چون احساس برادری، هم‌نوعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری همراه است (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری تبریز، ۱۳۹۲).

۱.۳. حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران

از آنجایی که آزادی از محورهای اساسی و از آرمان‌ها و اهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران بوده، در قانون اساسی اصول متعددی به حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی، قضایی مردم اختصاص داده شده است. در واقع اساس انقلاب در راستای آزادی خواهی و «نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌پذیری» و استقلال استوار بوده است.

در مقدمه قانون اساسی آمده است: شیوه حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی کمال بگشاید. به همین جهت فصل سوم قانون اساسی به حقوق ملت اختصاص داده شده، و به عنوان مهم‌ترین محور قوانین در تعیین و تعریف حدود آزادی‌های فردی، از یک سو، حد و مرز آزادی افراد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر، حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه حقوق فردی ترسیم می‌کند. آنچه در فصل مزبور بیان شده آزادی‌هایی است که می‌توان به جهات ذیل تقسیم‌بندی کرد: حقوق و آزادی‌های فردی، آزادی‌های مربوط به اندیشه و بیان، امنیت قضایی شهروندان و حقوق و آزادی‌های مدنی (اجتماعی).

با این حال در میان آزادی‌های مذکور، اصولاً آزادی‌های مربوط به اندیشه و آزادی‌های فردی به عنوان مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مهم‌ترین آزادی‌های مربوط به اندیشه شامل آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان و آزادی مطبوعات با التزام به رعایت مفاد قانون برای ناشران و مدیران روزنامه‌ها و چاپخانه‌ها و فروشندگان مطبوعات می‌باشد. هم‌چنین آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه، آزادی مکاتبات و ارتباطات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مهم‌ترین مصادیق حقوق شهروندی در ایران در چند اصل از قانون اساسی، با عنوان حقوق ملت بیان شده است. به موجب این اصول:

اصل نوزدهم:

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم:

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل بیست و دوم:

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم:

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و چهارم:

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.

اصل بیست و پنجم:

بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل بیست و ششم:

احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم:

تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل بیست و هشتم:

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم:

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

اصل سی ام:

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و یکم:

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل سی و دوم:

هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و سوم:

هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اصل سی و چهارم:

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و

هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم:

در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم:

حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم:

اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم:

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و نهم:

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

با این توصیف قانون اساسی، به عنوان یک میثاق ملی و سند حقوقی، حکمرانی مطلوب را سامان می بخشد که حکومت و مردم در تعامل با یکدیگر دارای حقوق و تکالیف متقابل هستند.

قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با قید دو فوریت در جلسه ۱۵/۲/۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۲/۱۳۸۳ یعنی فقط یک روز پس از تصویب آن در مجلس با همان فوریت و تعجیل در شورای نگهبان به رسید. این قانون مشتمل بر یک ماده واحده و ۱۵ بند و نیز یک دستورالعمل اجرایی بند ۱۵. مصوب ۳۰/۸/۱۳۸۳ می باشد. طبق این ماده واحده از تاریخ تصویب این قانون کلیه محاکم عمومی انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد مندرج در این قانون را به دقت رعایت کنند و متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد. در حقوق داخلی تصویب این قانون را باید نقطه عطفی در قانونگذاری در عرصه حقوق بشر و شهروندی محسوب داشت و این قانون اقدامی

است که در آن تلاش شده تا مجموعه حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی و معاهدات بین‌المللی اسلامی ایران به عضویت آنها در آمده است در کنار هم گردآوری شود (السان، ۱۳۷۸: ۱۴).

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلبایق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲- محکومیت ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رای مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳- محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷- بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدامهای خلاف قانون خودداری ورزند.

۸- بازرسی ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد

و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

۹- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰- تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱- پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرموثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهارشده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۳- محاکم و دادرها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار ماموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادرها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵- رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روش‌ها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

همچنین کلیه حقوق شهروندی هر شهروند در یک کشور به شکل یک سند در منشور حقوق

شهروندی پرداخته شده است و منشور حقوق شهروندی در کشور ما در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۵ توسط رئیس جمهور امضا و به شهروندان ابلاغ شد.

این منشور بر اساس چهارچوب قانون اساسی و همچنین موازین اسلامی تنظیم شده است که در آن به مصادیق متعددی از حقوق شهروندی از جمله حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق صلح، امنیت و اقتدار ملی، حق اشتغال و کار شایسته، حق مسکن و حق دسترسی به اطلاعات و... پرداخته شده است.

۱.۴.۱. راهکارهای ارتقای فرهنگ حقوق شهروندی

۱.۴.۱.۱. توسعه آموزش و یادگیری حقوق اجتماعی

آموزش شهروندی نه تنها شامل آموزش و یادگیری موضوعات مرتبط در کلاس درس است، بلکه همچنین تجارب عملی کسب شده از طریق فعالیت در مدرسه و جامعه گسترده‌تر برای آماده‌سازی دانش‌آموزان برای نقش آنها به عنوان شهروندان، طراحی شده است. معلمان و مدیران مدارس نقش کلیدی در این فرآیند یادگیری (ارائه آموزش و پشتیبانی) دارند. به همین دلیل معلمان و مدیران مدارس برای اجرای موثر آموزش شهروندی اهمیت دارد (ایور دیگ، ۲۰۱۷: ۹).

۱.۴.۱.۲. توسعه و آگاهی بخشی نسبت به حقوق زنان

در جمهوری اسلامی ایران حقوق شهروندی زنان توسط قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی و سایر قوانین و مقررات مورد حمایت قرار گرفته است. مفهوم حقوق شهروندی زنان دارای جایگاه برتر در قانون اساسی است (جهانگیر و همکاران، ۱۳۹۸).

۱.۴.۱.۳. توسعه و آگاهی بخشی شهروندی فرهنگی

نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه است و تربیت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه انجام گیرد. در این راستا زندگی شهروندی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی را که دانش آموز در آن به سر می‌برد داشته باشد. از چنین مسیری است که بومی کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر می‌شود.

۱.۴.۱.۴. تربیت شهروند مطلوب

آشنایی با حقوق شهروندی منجر به آگاهی از حقوق همدیگر و مشارکت عموم در تأمین نیازهای اساسی زندگی خواهد شد و به ارتباط آزادانه انسان‌ها توأم با رعایت تمام جوانب امور کمک

خواهد کرد. همچنین به رشد فرهنگ عامه پسند و تولید و بازتولید فرهنگی و اشتراکات فرهنگی خواهد انجامید. در حقیقت آشنایی با حقوق شهروندی منجر به گفتگوی آزاد و شرکت در تصمیم‌گیری‌ها و تبادل آرا در جامعه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در جهان یادگیری و نظام آموزشی کشور، ارتقای فرهنگ شهروندی و افزایش دانش و مهارت‌های شهروندی با تأکید بر انضباط و اخلاق اجتماعی و بسترسازی جهت تقویت هویت دینی، ملی و انقلابی شهروندان فرهنگ‌سازی به منظور بهبود سلامت فردی و اجتماعی شهروندان با تأکید بر برابری، مشارکت اجتماعی، توسعه فرهنگ شهروندی به منظور ارائه الگوی سالم و افزایش نشاط در شهروندان از جمله ضروریات زندگی و جامعه سالم است. آموزش فرهنگ شهروندی و نحوه ایجاد انگیزش در میان افراد برای پذیرش نقش شهروند و توجه به منافع جمعی، وظیفه‌ای حساس و دشوار برای رهبران و مدیران جامعه است. امروزه مفهوم شهروندی به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه تلقی می‌شود و شهروند به عنوان عضو یک جامعه سیاسی، فردی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت می‌باشد. توجه به حقوق شهروندی در هر جامعه‌ای باعث قوام، مشروعیت و استمرار نظام سیاسی حاکم را فراهم خواهند آورد. این حقوق دارای ابعاد مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی می‌باشد و چگونگی کمیت و کیفیت بهره‌مندی از آن در هر جامعه از شاخصه‌های توسعه و حکمرانی خوب می‌باشد. در جامعه ایران اسلامی، شناسایی و تصریح حقوق شهروندان در متن قانون اساسی و سایر قوانین را باید گامی اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی ارزیابی کرد که سیاست‌های توسعه آموزش و یادگیری حقوق اجتماعی، توسعه و آگاهی بخشی نسبت به حقوق زنان، توسعه و آگاهی بخشی شهروندی فرهنگی و تربیت شهروند مطلوب در این راستا ارزیابی می‌شود.

منابع

- احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۸). حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۸
- پروین، فرهاد (۱۳۹۱). رابطه متقابل حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی، اندیشه پژوهش‌های اجتماعی، سال ۱۸، شماره ۳.
- پیران، پرویز (۱۳۸۵). شهروندی از حقوق تا مسئولیت، نامه، شماره ۵۳.
- جاوید، محمدجواد (۱۴۰۰). از تنوع فرهنگی تا مهندسی فرهنگی؛ چالشی بین حقوق بشر و حقوق شهروندی، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۲.
- جوکار، مصطفی (۱۴۰۱). نگاه به برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه با محوریت مسایل اجتماعی و اقدامات و عملکردها، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال ششم، شماره ۸۴.
- جهانگیر، زهرا، کاوه پیشقدم، محمدکاظم (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی جایگاه حقوق شهروندی زنان در قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران، زن و جامعه، سال ۱۰، شماره ۲.
- خان محمدی، حمیدرضا، زارعی متین، حسن، میره‌ای، محمد، اخوان علوی، سیدحسین و فرجی، امین (۱۳۹۹). طراحی الگوی فرهنگ شهروندی اسلامی - ایرانی مبتنی بر روش فراترکیب و راهکارهایی برای توسعه آن، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۸، شماره ۲.
- خودی، مرجان، براتلو، فاطمه، سبحانی، عبدالرضا و فرهنگی، علی اکبر (۱۴۰۰). حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در برنامه‌های اول تا ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ارائه سیاست‌های راهبردی برای برنامه هفتم توسعه، علوم اجتماعی، سال ۱۵، شماره ۳.
- دشتی، فرزانه و شاحیدر، عبدالکریم (۱۴۰۱). تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی، نشریه تمدن حقوقی، سال پنجم، شماره ۱۰.
- السان، مصطفی (۱۳۸۷). حقوق شهروندی از چشم انداز نظریه شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران، حقوق بشر، شماره ۲.
- طاهری، محسن (۱۳۹۵). نقد و بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به منشور حقوق شهروندی، دومین همایش ملی تبیین حقوق شهروندی.

عابدینی عیسی و جعفری اصل، خدیجه (۱۳۹۷). آموزش فرهنگ و حقوق شهروندی، ضرورت نظام آموزشی کشور، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی.

گنجی محمد، نیازی، محسن و عسکری کویری، اسما (۱۳۹۳). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال چهارم، شماره ۱۲. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری تبریز (۱۳۹۲). مجموعه مباحث آموزش شهروندی، نشر شهرداری تبریز.

معینی سید محمود، بختیاری میثم، نجفی، الهام و کوچکی، محمدحسین (۱۳۹۷). شهر اسلامی تجلی گاه فرهنگ شهروندی اسلامی، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.

European Commission/EACEA/Eurydice (2017). Citizenship Education at School in Europe 2017. Eurydice Report. Luxembourg: Publications Office of the European Union. Website: <http://ec.europa.eu/eurydice>
Fridmann, John (T), the prospect of cities, Minneapolis: university of Minnesota press.